



گریه‌ی ایران در ساحل کن

تهمینه بهرامعلیان



سه‌م ایران از کن ۲۰۰۷

امسال سه‌م ما از کن صفر مطلق هم نبود. رامین بحرانی (کارگردان مقیم آمریکا) با فیلم اوراقچی در بخش پانزده روز کارگردان‌ها و مرجانه ساتراپی (مقیم فرانسه) با فیلم پرسپولیس در بخش مسابقه‌ی کن حضور داشتند. در فهرست عوامل فیلم‌ها نیز نام داریوش خنجی (فیلمبردار ایرانی تبار و شاخص سینمای جهان) به‌عنوان مدیر فیلمبرداری آخرین اثر وونگ کاروای دیده می‌شد. البته این فیلم‌ها هیچ ارتباطی به سینمای ایران نداشتند و به‌عنوان محصولی از کشورهای دیگر به کن آمده بودند.

هم‌چنین حضور نیکی کریمی در جمع داوران فیلم کوتاه و نمایش گریه، فیلم سه دقیقه‌ای کبارستمی را هم نمی‌توان حضوری پررنگ از سینمای ایران دانست.

امسال ۳۳ فیلم بلند ایرانی به کن ارسال شد که خود نکته‌ای است قابل تأمل. بی‌تردید بسیاری از این آثار بختی برای حضور در جشنواره‌ی کن نداشته‌اند. به قول محمد اطیابی، کارشناس مسائل بین‌الملل سینمای ایران، «بسیاری از این فیلم‌ها برای مخاطبان ایرانی ساخته شده‌اند و امکان ارتباط کامل با یک تماشاگر خارجی را ندارند».

میتوان این موضوع را از منظر روانشناسی نیز بررسی کرد. تصور کنید هیأت انتخاب در زمانی کوتاه با ۳۳ فیلم از یک کشور روبه‌رو می‌شود که امکان ایجاد ارتباط با اغلب آنان را ندارد. با تأکید بر مستقل بودن این نگاه از کیفیت هنری هر فیلم، شک نداشته باشید که این هیأت در اولین جمع بندی خود به افت سینمای ما نظر می‌دهد و در این میان آثار قابل توجه نیز شاید به گونه‌ای قربانی شوند.

ساده‌انگارانه است اگر مسایل سیاسی را در این جریان بی‌تأثیر بدانیم و البته غیرحرفه‌ای خواهد بود اگر هر عدم انتخابی را به مشکلات سیاسی نسبت دهیم. در همین بخش رسمی هندوستان، انگلستان، استرالیا، کشورهای اسکاندیناوی و همهی کشورهای آمریکای لاتین غایب بودند و هیچیک، این غیبت آثار خود را به مسایل سیاسی گره نمی‌زنند.

حاضران و غایبان

امسال آمریکاییها، آسیاییها، اروپاییها، حضوری متفاوت و غایبان بزرگی در این فستیوال داشتند.

این درحالی است که مسؤولان برگزاری شصتمین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم کن اعلام کردند امسال پیش از پایان مهلت ارسال آثار، حدود یکهزار و ششصد و پانزده فیلم داستانی متقاضی حضور در بخشهای مختلف این فستیوال بوده‌اند. این آمار نسبت به دوره‌ی گذشته رشد یازده درصدی را نشان می‌دهد.

از ویژگی این دوره، حضور قابل توجه آسیایی‌ها در میان ۲۳ فیلم بخش اصلی بود. چهار فیلم شب‌های دربه‌دوری ساختهی وونگ کاروای از هنگ کنگ، موگاری نوموری ساختهی ناومی کاواسی از ژاپن و دو فیلم گره‌ای نفس به کارگردانی کیم کی دوکو و آفتاب پنهان

شصتمین جشنواره‌ی فیلم کن پایان یافت و سینمای ایران کم‌فروغ‌تر از گذشته در رویای جهانی شدن باقی ماند. سینماهای پایتخت نیز از طرفداران سینما خالی است و هنوز فیلم‌هایی از جشنواره‌ی فجر دو سال گذشته در نوبت اکران باقی مانده‌اند. در این میانه قاچاقچیان فرهنگی فرصت‌ها را نمی‌سوزانند و به فاصله یکی دو هفته پس از اکران، فیلم‌ها را در خیابان‌های شهر عرضه می‌کنند. جای بحث ندارد که کارگردانان و تهیه‌کننده‌های سینما در کمتر از دو هفته باید با فروش فیلم‌هایشان وداع کنند و منتظر تدابیر دولتی هم نباشند. حال اگر از هفت‌خان صدور مجوز، تولید، هزینه‌ها، سانسور، نوبت نمایش و سرانجام تولد فیلم تا مرگ زود هنگام آن که سر راه اهالی سینما قرار می‌گیرد و بسیاری از کارگردان‌های توانا را زمینگیر میکند بگذریم، کارگردانانی هم که محکوم به ساخت فیلم‌های جشنواره‌پسند و غریب‌پسند می‌شدند، گویی از این مسلخ جان به در نبرده‌اند. مدتی است که بخت از فیلمهای جشنواره‌های هم برگشته حضور کم‌رنگ سینمای ایران در جشنواره‌ی کن ۲۰۰۷ گویای این بخت برگشتگی بود.

برخی بر این باورند زنگ خطر وقتی به صدا درآمد که تارانتینو به عنوان رئیس هیأت داوران کن، فیلمهای ایرانی را ملال آور و فاقد جذابیت خواند. قبل از او گادفری چشایر، منتقد مجله‌ی فیلم کامنت نیز هشدار داده بود که سینمای ایران مدام خود را تکرار می‌کند و این مسأله سبب می‌شود تا مقبولیتش در جشنواره‌های غربی از دست برود. پیش از آن در جراید عنوان شده بود که ساختن فیلم‌های سری دوزی و فیلم سازی از روی دست کبارستمی، فیلمهای جشنواره‌های ایران را به فرآورده‌هایی کارخانه‌ای و فاقد فردیت خلاق و هنرمندانه بدل کرده است. گویی اکنون آن هشدارها به حقیقت پیوسته و در محافل جشنواره‌های غرب شمارش معکوس برای سینمای ایران آغاز گردیده است.

ساخته لی چانگ دونگ حدود هجده درصد از فیلم‌های بخش مسابقه برای تصاحب نخل طلای شصتمین دوره را تشکیل دادند. در این میان سینمای کره جنوبی با دو فیلم مهم‌ترین کشور آسیایی این دوره از فستیوال کن تلقی شد.

آمریکا و فرانسه هر کدام با چهار فیلم نقش قابل‌اعتنایی در میان آثار بخش اصلی ایفا کردند. فرانسه با فیلم‌های مستخدم پیر ساختهی کاترین بریا، پروانه و حباب غواصی اثر جولین شنبال، Tehilim ساختهی رافائل نادجاری و پرسپولیس به کارگردانی مرجانه ساتراپی و رنسان پارون و آمریکا با فیلم‌های پیرمردهای بدون سرزمین ساختهی برادران کوئن، زودی‌اک به کارگردانی دیوید فینچر، شب متعلق به ما است ساخته جیمز گری و پارک پارانوئیدی به کارگردانی گاس ون سنت در بخش اصلی حضور داشتند. میان فیلم‌سازان شرکت‌کننده در بخش رقابتی جشنواره کارگردانانی حضور داشتند که پیش‌تر نیز موفق به دریافت جایزه‌ی اصلی این فستیوال شده بودند. گاس ون سنت با ساخت فیلم فیل، کونتین تاراتینو با فیلم قصه‌های عامه پسند، امیر کاستاریکا با فیلم وقتی پدر به مأموریت رفته بود از آن جمله بودند.

اما از میان غایبان اصلی بخش رسمی کن که در دوره‌های قبل حضور موفق داشته‌اند، میتوان به کن لوچ، (فیلمساز بریتانیایی و برنده نخل طلای دوره قبل)، شوهی ایمامورا، (فیلمساز ژاپنی و برنده نخل طلا)، عباس کیارستمی، (فیلمساز ایرانی برنده نخل طلا در سال ۱۹۹۷)، جیم جارموش (فیلمساز آمریکایی)، ورنر هرتسوک (فیلم‌ساز آلمانی)، ویم ووندرس (فیلمساز آلمانی)، الخاندرو گونزالس ایناریتو (فیلمساز مکزیکی برنده نخل طلا در دوره قبل)، پدرو الما دوار (فیلمساز اسپانیایی و برنده نخل طلا در دوره قبل) و دیوید لینچ (فیلمساز آمریکایی برنده نخل طلا) اشاره کرد.

تولد کن

نخستین دوره جشنواره فیلم کن در سپتامبر ۱۹۳۹ برگزار شد و برپایی آن تا پایان جنگ جهانی دوم معطل نماند. در دهه پنجاه میلادی زمان برگزاری جشنواره از ماه سپتامبر به آوریل تغییر یافت و از سال ۱۹۵۵ نخل طلا به عنوان جایزه اصلی جشنواره کن معرفی شد. موقعیت جشنواره کن در سالهای ۱۹۶۰ در جهان فرهنگ و هنر تثبیت شد و از آن زمان به عنوان معتبرترین جشنواره فرهنگی - هنری شناخته می‌شود.

برنامه‌های این جشنواره از هفت بخش اصلی تشکیل شده است: مسابقه، خارج از مسابقه، نوعی نگاه، سینه فونداسیون (مسابقه فیلم‌های کوتاه)، هفتهی منتقدان، دو هفته کارگردانان و بازار فیلم.

پرچمدار سینمای ایران در کن

نخستین حضور سینمای ایران در کن فرانسه در سال ۱۹۶۱ با فیلم کورش کبیر ساختهی مصطفی فرزانه بود و در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، تنها جایزه‌ای که از کن نصیب سینمای ایران شد، جایزه شورای عالی تکنیک بود که مرحوم احمد فاروقی برای فیلم طلوع جدی دریافت کرد. نخستین حضور سینمای ایران پس از انقلاب در جشنواره کن ۱۹۷۹ با فیلمی از بهمن فرمان‌آرا با عنوان سایه‌های بلند باد بود.

تاکنون ۴۰ سینماگر ایرانی شاهد حضور آثار خود در جشنواره کن بوده‌اند عباس کیارستمی با هفت حضور، محسن مخملباف با پنج حضور، داریوش مهرجویی، جعفر پناهی، نورالدین زرین کلک و سمیرا مخملباف با سه حضور، بهمن فرمان‌آرا، بهمن قبادی، پرویز نادری و علی‌اکبر صادقی هر یک با دو حضور در رأس جدول حضور سینمای ایران در کن قرار دارند.

سینماگران ایرانی تاکنون شانزده جایزه از جشنواره کن دریافت کرده‌اند. مهمترین این جایزه‌ها نخل طلای جشنواره ۱۹۹۷ برای طعم گیلان عباس کیارستمی، دوربین طلایی ۱۹۹۹ برای بادکنک سفید جعفر پناهی و دوربین طلایی ۲۰۰۰ به طور مشترک برای زمانی برای مستی اسپها اثر بهمن قبادی و جمعه ساختهی حسن یکتا پناه بوده‌اند.

در سال ۱۹۷۱ فیلم «گاو» و «پستچی» داریوش مهرجویی در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، در ۱۹۷۳ «شهر خاکستری» فرشید مثقالی در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، سال ۱۹۷۵ «شازده احتجاب» بهمن فرمان‌آرا و «تداعی» نورالدین زرین کلک در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۱۹۷۹ «سایه‌های بلند باد» بهمن فرمان‌آرا در بخش هفته منتقدین، ۱۹۸۰ «چریکه تارا» بهرام بیضایی در مسابقه‌ی نوعی نگاه، ۱۹۸۰ «نظم سهراب» شهید ثالث در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۱۹۸۱ «دفاع از خلق» «وافق پویا» در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۱۹۹۱ در «کوچه‌های عشق خسرو سینایی» در مسابقه‌ی نوعی نگاه، ۱۹۹۲ «زندگی و دیگر هیچ» عباس کیارستمی در مسابقه نوعی نگاه، ۱۹۹۲ «بدوک» مجید

مجیدی در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۱۹۹۲ «قلب» سعید مجاوری در مسابقه کوتاه و سینما همیشه، ۱۹۹۲ «آن‌که خیال یافت و آنکه عمل کرد» مرتضی ممیز در بخش سینما همیشه، ۱۹۹۲ «گلباران» علی اکبر صادقی در بخش سینما همیشه، ۱۹۹۲ «مرد و ابر» پرویز نادری در بخش سینما همیشه، ۱۹۹۲ «رنگین کمان» نفیسه ریاحی در بخش سینما همیشه، ۱۹۹۲ بهاری که داشتیم اثر رضا شبیدی در بخش سینما همیشه، ۱۹۹۲ «چشم تنگ دنیا دار» نورالدین زرین کلک در بخش سینما همیشه، ۱۹۹۲ «زیر درختان زیتون» نورالدین زرین کلک در بخش مسابقه، ۱۹۹۴ «زینت» ابراهیم مختاری در بخش هفتهی منتقدان، ۱۹۹۵ «نوبت عاشقی» محسن مخملباف در بخش نوعی نگاه، ۱۹۹۵ «بادکنک سفید» جعفر پناهی در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۱۹۹۶ «گبه‌ای» محسن مخملباف در بخش نوعی نگاه، ۱۹۹۷ «طعم گیلان» عباس کیارستمی در بخش مسابقه، ۱۹۹۷ «منهتن از روی شماره» امیر نادری در بخش نوعی نگاه، ۱۹۹۹ حضور سمیرا مخملباف در بخش نوعی نگاه، ۱۹۹۹ «قصه‌های کیش» ناصر تقوایی، محسن مخملباف و ابوالفضل جلیلی در بخش مسابقه، ۱۹۹۹ «ادایه‌ی محمد شیروانی در بخش هفتهی منتقدان، ۲۰۰۰ تخته سیاه سمیرا مخملباف در بخش مسابقه، ۲۰۰۰ «زمانی برای مستی اسپها» بهمن قبادی در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۲۰۰۰ «جمعه‌ای حسن یکتا پناه در بخش نوعی نگاه، ۲۰۰۱ «سفر قندهار» محسن مخملباف در بخش مسابقه، ۲۰۰۱ «ABC آفریقا» عباس کیارستمی در بخش خارج از مسابقه، ۲۰۰۱ «زیر نورماه» رضا میرکریمی در بخش هفتهی منتقدین، ۲۰۰۱ «بیگانه و بومی» علی محمد قاسمی در بخش هفتهی منتقدین، ۲۰۰۲ ده «۱۰» عباس کیارستمی در بخش مسابقه، ۲۰۰۲ «بمانی» داریوش مهرجویی در بخش نوعی نگاه، ۲۰۰۲ «آوازه‌های سرزمین مسادری» بهمن قبادی در بخش نوعی نگاه، ۲۰۰۲ «ملاقات شیطان» رضا پارسا در بخش هفتهی منتقدین، ۲۰۰۲ «گیوتین» بهرام عظیم‌پور در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۲۰۰۲ «چت» شادمهر راستین در بخش پانزده روز کارگردان‌ها، ۲۰۰۳ «طلای سرخ» جعفر پناهی در بخش نوعی نگاه، ۲۰۰۳ «پنج عصر» سمیرا مخملباف در بخش مسابقه، ۲۰۰۴ «خواب تلخ» محسن امیریوسفی در بخش دو هفته کارگردان‌ها، ۲۰۰۴ «گاوخونی» بهروز افخمی در بخش دو هفته کارگردان‌ها، ۲۰۰۴ «پنج» عباس کیارستمی در بخش نوعی نگاه، ۲۰۰۴ «ده روی ده» عباس کیارستمی در بخش جنبی و در سال ۲۰۰۵ «جزیره آهنی» محمد رسول اف در بخش دو هفته کارگردانان و «یک شب» نیکی کریمی در بخش نوعی نگاه کن به نمایش درآمدند.

امسال که بسیاری از فیلم‌های بلند ایرانی پشت دیوار کن ماندند. عباس کیارستمی با فیلمی سه‌دقیقه‌ای به‌عنوان یکی از میهمانان ویژه در این فستیوال حضور داشت. در سینمای جشنواره‌های ایران، کیارستمی همچنان نامی معتبر است. وی اولین بار با زندگی و دیگر هیچ جایزه‌ی روبرو روسلینی جشنواره‌ی کن را به ایران آورد و برای اولین بار با زیر درختان زیتون سینمای ایران را به بخش مسابقه‌ی آن برد و اولین و آخرین نخل طلای سینمای ایران نیز با طعم گیلان او به‌دست آمد. عمده‌ی اعتبار سینمای ایران در کن از کیارستمی مایه می‌گیرد. چنانکه تا سالها شاگردان و فیلمسازان تحت تأثیر کیارستمی و کن می‌درخشیدند. اما این روزها به قول منتقدی، «سینمای ایران نیازمند فراموش کردن کیارستمی است زیرا تکرار سینمای او در فیلم‌های هنری ایران دیگر به ملالی رسیده که مدیران جشنواره‌های جهانی هم متوجه‌اش شده‌اند. سینمای ایران برای بازگشت به روزهای خوش گذشته، بیش از هر چیز نیازمند خلاقیت است و گرنه تکرار مسیری که دیگران را به توفیق رسانده، به خاطر فقدان اصالت به شکست ختم خواهد شد.»

نگاه منتقدان

بسیاری درباره‌ی ناموفق بودن سینمای ایران در کن ۲۰۰۷ به

واکنش‌های احساسی روی آوردند و آن را یک اتفاق سیاسی قلمداد کردند. عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که سینمای ایران نباید اعتنایی به خواست جشنواره‌های خارجی داشته باشد؛ کسانی که آفت سینمای ایران را دل بستن به فستیوال‌های بین‌المللی می‌دانند و اعتقاد دارند نباید بر اساس سلیقه‌ی خارجی فیلم ساخت.

محمود گبول، منتقد سینمایی، در این باره معتقد است که پذیرفته نشدن فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌ی کن هشداری برای سینماگران ایران است. وی می‌گوید: «این اتفاق هشداری است به سینماگران ایرانی که تا این حد گرفتار و مجذوب جشنواره‌های خارجی نباشند. معتقدم جشنواره‌ی کن نگاه سیاسی به ایران دارد و اگر احساس کند که نیاز دارد فضای تیره و تاریک ایران به نمایش دربیاید یا به جهان‌باز معرفی کند، به سمت سینماگران ایرانی می‌آید و آنها را تشویق به حضور می‌کند. اما الان شاید در سیاست‌هایشان این باشد که نخواهند ایران را مطرح کنند.» امیر اسفندیاری، مدیر امور بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی نیز معتقد است «با توجه به حضور بیشتر دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینمای جهان در کن، سعی می‌کنیم برای بازگشت دوباره به عرصه‌ی جشنواره‌های خارجی، این فرصت مناسب را به سادگی از دست ندهیم. امسال سعی شد تا فضایی گسترده‌تر برای حضور و مشارکت جدی مؤسسات و شرکت‌های مرتبط با امر فروش و پخش فیلم‌های سینمایی ایران ایجاد شود که خوشبختانه این امر به خوبی تحقق یافت و در فضای گسترده‌تر جدید شاهد فعالیت هفت موسسه در زیر چتر سینمای ایران بودیم.»

اسفندیاری تلاش برای عرصه‌ی آثار سینمای ایران به بهترین شکل در جشنواره‌ی کن و ایجاد فضایی برای ارتباط متقابل عوامل حرفه‌ای سینمای کشور با هنرمندان و متخصصان جهانی در عرصه‌ی پخش فیلم را از اولویت‌های کاری چتر سینمای کشور عنوان کرده و می‌گوید: «با توجه به نتایج مطلوب حاصل از حضور شرکت‌ها و مؤسسات پخش‌کننده‌ی فیلم‌های ایرانی به صورت گروهی در زیر چتر سینمای ایران در بازار کن، امسال فضای غرقه مربوط به چتر سینمای ایران گسترده‌تر از سال‌های گذشته بود» مسعود فراستی، منتقد سینما نیز معتقد است با خلاص شدن از جشنواره‌ی کن می‌توانیم به سینمای ملی نزدیک شویم. فراستی از پذیرفته نشدن فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌ی کن ابراز خرسندی کرده و می‌گوید: «خیلی خوشحالم که هیچ فیلمی در این جشنواره پذیرفته نشد، چون این اتفاق باعث می‌شود فیلمسازان ما برای خودشان و مردم خودشان فیلم بسازند. هدف جشنواره‌های خارجی خط دادن به فیلمسازان ماست؛ اینکه فیلمسازان ما با موضوع فقر و بیچارگی در ایران فیلم بسازند. اخیراً هر فیلمی که در جشنواره‌ها حضور داشته در همین وادی بوده است، فیلم‌هایی چون بچه‌های آسمان هم که خارج از این قاعده ساخته شدند در مواجهه با یک فیلم تبلیغاتی - آمریکایی پیروز نمی‌شوند.»

فراستی داوری جشنواره‌های خارجی را سیاسی خوانده و معتقد است «آنها سیاسی عمل می‌کنند و جایزه‌ی فرزند‌دهگی، بی‌هویتی و سیاه‌نمایی را می‌دهند و به ذات سینما توجه نمی‌کنند». اما محمد اطبايي معتقد است انتخاب نشدن فیلم‌های ایرانی در بخش رسمی جشنواره‌ی کن به مسائل سیاسی ربطی ندارد. این کارشناس مسائل بین‌الملل سینمای ایران می‌گوید: «دوستان مسائل سیاسی را مطرح می‌کنند اما من به شخصه این موضوع را دلیل اصلی نمی‌دانم بلکه مسأله‌ی اصلی کیفیت فیلم‌ها و سلیقه‌ی هیأت انتخاب‌ها است.» اطبايي معتقد است «جشنواره‌ی همچون کن با اعتبار و جایگاهی که دارد نمی‌خواهد اعتبارش را با بهانه‌های سیاسی از دست بدهد تا آن جایی که من در جریان هستم یک تعداد فیلم ایرانی در آخرین مراحل رزرو بودند ولی با توجه به رقابت سختی که وجود دارد انتخاب نشدند». اطبايي با اشاره به شصتین دورهی برگزاری جشنواره‌ی کن و اهمیتی که این دوره دارد، می‌گوید «حضور چندین هزار فیلم رقابت سختی را ایجاد می‌کند، اگر رقابت می‌کنیم باید قواعدش را رعایت کنیم حتی اگر در رقابت، بازی را باختیم.»

اتفاق سیاسی

پایان شصتین دورهی جشنواره‌ی بین‌المللی کن با اظهار نظرها و واکنش‌های شدیدی از سوی ایران همراه بود. این واکنشها در پی اکران و اعطای جایزه‌ی هیأت داوران به انیمیشن پرسپولیس ساخته‌ی مرجانه ساتراپی صورت گرفت. این فیلم که براساس دو کتاب مصور مرجانه ساتراپی توسط خود او و با همکاری و نسان پارونو فیلمساز فرانسوی ساخته شده، تصویرگر خاطرات دختر چهارده ساله‌ای است که پس از انقلاب اسلامی ناگهان خود را در تهرانی سنتی و مذهبی می‌یابد و او که نمی‌تواند خود را با وضع موجود تطبیق دهد توسط والدینش به وین فرستاده می‌شود. معاونت سینمایی طی نامه‌ای به رایزن فرهنگی دولت فرانسه در ایران، اعتراض رسمی خود را به نمایش فیلم ضد ایرانی پرسپولیس در کن اعلام کرد. به نقل از نشریه تودی آنلاین، مرجانه ساتراپی در واکنش به اعتراض دولت ایران گفت: «فیلم من به هیچ وجه یک فیلم سیاسی نیست بلکه فیلمی جهانی و تصویرگر اتفاقاتی است که در تمامی کشورها و در سرتاسر جهان به وقوع می‌پیوندد». ساتراپی درباره‌ی ساخت پرسپولیس در هالیوود گفت: «نسبت به هالیوود تردید داشتم و فکر کردم که ممکن است آنها از پروژه‌ی من، یک بدون دخترم هرگز دیگری بسازند، فیلمی که در آن ایرانیان را انسان‌هایی دیوانه معرفی کرده بودند». ساتراپی در پاسخ به این سؤال که چرا برای فیلم خود از تصاویر سیاه و سفید استفاده کرده، گفت: «به نظر من این مطلب کمک می‌کند تا هرکس بتواند با آن ارتباط برقرار کند خواه در چین باشد خواه در شبلی یا کره. این یک داستان جهانی است.»

ساتراپی که جایزه‌ی هیأت داوران کن را به همه ایرانیان تقدیم کرد تا کنون جوایز مختلفی برای آثار کمیک استریپش از جمله برای کتابهای پرسپولیس (جلد اول و دوم) و جوجه روی درخت آلو به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ دریافت کرده است. مسعود دهنمکی، کارگردان اخراجیها که در جشنواره‌ی کن حضور داشت، در واکنش به این فیلم گفت: ساتراپی، یک پروژه‌ی جدید است که غرب علیه ایران کلید زده و تشویق پرسپولیس در کن نشان می‌دهد حرکت ضدفرهنگی غرب در برابر ایران سازمان یافته است. وی افزود: علاوه بر پرسپولیس فیلم گوشه‌ی آسمان فاتح آکین محصول مشترک اروپا و ترکیه که به عنوان بهترین فیلم‌نامه برگزیده شد، با نگاهی انتقادی به اسلام‌گرایی در جامعه‌ی ترکیه همراه است. وی یادآور شد فیلم چهارماه، سه هفته و دو روز ساخته‌ی کارگردان رومانیایی هم که جایزه‌ی بهترین فیلم را گرفت فیلمی ضد شرقی بود و نگاه سیاسی جشنواره آن را برگزیده بود. کارگردان اخراجی‌ها گفت «از کمیک استریپ پرسپولیس استقبال زیادی در جامعه‌ی فرانسوی صورت گرفته بود و تلاش شده تا فیلمی هم که ساخته شده، قوی باشد و ضعف‌هایی از جنس ضعف‌های فیلم‌های مشابهی چون بدون دخترم‌هرگز، در این فیلم وجود نداشته باشد. در این راستا سازنده‌گان فیلم در همه زمینه‌های فنی، صدا گذاری و... از عوامل حرفه‌ای استفاده کرده‌اند تا فیلم به شدت تأثیر گذار باشد». وی گفت: «دروغ در این فیلم زیاد دیده می‌شود هر چند سازنده‌ی آن مدعی است که خاطرات خودش را نوشته است. در صحنه‌ای از این فیلم ساتراپی نشان داده که ظهر عاشورا با ورود نیروی انتظامی به خانه‌ای که در آن مهمانی برپاست و یکی از مهمان‌ها در حال مشروب خوردن است، با برخورد نیروی انتظامی خودش



فاتحان کن

در مراسم اختتامیه شصتمین جشنواره فیلم کن جایزه نخل طلا به فیلم چهارماه و سه هفته و دو روز به کارگردانی کریستین مونگیو از رومانی تعلق گرفت.

این فیلم که تصویری آشفته از سقوط غیرقانونی جنین در رومانی دوره کمونیستی را نشان می‌دهد توانست بالاتر از ۲۱ اثر دیگر بخش رقابتی، جایزه اول معتبرترین رویداد سینمایی جهان را به دست آورد. جایزه بهترین کارگردان به جولین اشنبیل آمریکایی برای فیلم فرانسوی زنگ شیرجه و پروانه اهدا شد. بهترین فیلمنامه هم به فاتح آکین برای فیلم گوشه‌ی آسمان، محصول مشترک آلمان و ترکیه رسید. فیلم پرسپولیس مرجانه ساتراپی و نور مخفی از کارلوس ریگاداس جایزه هیأت داوران را دریافت کردند. جایزه ویژه شصت سالگی کن به گاس ون سنت کارگردان آمریکایی فیلم پارک پارانیایی اهدا شد. کنستانتین لاورونکو بهترین بازیگر مرد برای بازی در تبعید شد. جون دو یون بازیگر فیلم کره‌ای آفتاب مخفی ساخته لی جانگ دونگ جایزه بهترین بازیگر زن را گرفت. جایزه بزرگ جشنواره به فیلم جنگل سوگواری اثر ناومی کاوامی ژاپنی رسید. دوربین طلایی بهترین فیلم اول به عروس دریایی محصول مشترک اسرائیل و فرانسه و جایزه ویژه هیأت داوران این بخش به فیلم کنترل ساخته آنتون کوربین اهدا شد. تماشای باران ساخته الیزا میلر از مکزیک هم نخل طلای فیلم کوتاه را گرفت.

هیأت داوران تقدیر ویژه‌ای از فیلم‌های فرار به کارگردانی مارک آلبیسن و مامان بزرگ ساخته آنتونی جن از سنگاپور داشتند. در بخش نگاه ویژه جشنواره کن بیست و ششمین جایزه جوان این جشنواره به فیلم ملاقات باندها اهدا شد. جایزه نخل طلای جشنواره فیلم کن که معتبرترین جایزه سینمایی تلقی می‌شود، در پنجاه و نه دوره برگزاری به فیلم‌های اتحاد صلح‌آمیز (سیسیل ب. دومیل)، پرتله‌ای از ماریا (امیلیانو فرناندز)، مرد سوم (کارول رید)، دوشیزه جولی (آلف اسپوگرگ)، اوتللو (اورسون ولز) و دروازه جهنم (کینو گاسا)، مارتی (دلبرتمان)، دنیای سکوت (جاکوز بوس و لوئی مال)، ترغیب دوستانه (ویلیام وایلر)، اورفبی سیاه (مارسل کاموس)، Dolce vita (فلینی)، حافظه طولانی (هنر کولبی)، قولت را حفظ کن (آنسلمو دواتر)، لئوپارد (لوکینو ویسکونتی)، چترهای شربورگ (جاکوز دمی)، یک مرد یک زن (کلود لوش)، سینور و سینورتیا (پیرو جرمی)، آگرا ندیسمان (آنتونیونی)، اگر (لیندسی اندرسون)، مش (رابرت آلمن)، واسطه (جوزف لوزی)، کلاس اپرا (الیوتری) و ماجراهای ماتی (فرانچسکو رزی)، مزدور (آلن بریجز)، مکالمه (فورد کاپولا)، سالهای آتش (محمد لاکدر همینا)، راننده تاکسی (اسکورسیزی)، پدر پدران (برادران تاویانی)، کفش‌های چوبی (ارمانو اولمی)، اینک آخرالزمان (کاپولا)، همه چیز جاز (باب فوسی)، مرد آهنین (آندره وایدا)، راه (ایلماز گونی)، افسانه نارایاما (شوهی ایمامورا)، باریس تگزاس (ویم وندرس)، وقتی پدر برای ماموریت رفته بود (امیرکاستاریکا)، پیمان (رولاند جوف)، زیر آفتاب ساتان (موریس پیالا)، کنکور pelle (بیل آگوست)، جنسیت، دروغ و نوارهای ویدئو (استیون سودربرگ)، وحشی در قلب (دیوید لینچ)، بارتون فینک (برادران کوئن)، بهترین نیت (بیل آگوست)، وداع با محبوبم (چن کایگه)، پیانو (کمپیون)، پالپ فیکشن (تارانتینو)، زیرزمین (امیرکاستاریکا)، دروغ‌های حقیقی (مایک لی)، طعم گیلان (کیارستمی)، مارماهی (ایمامورا)، یک روز و ابدیت (آنجلو پلوس)، روزتا (برادران داردن)، رقصنده در تاریکی (فون تریه)، اتاق پسران مورتی، پیانیست (رومن پولانسکی)، فیلم (گاس ون سنت)، فارنهایت ۹/۱۱ (مایکل مور)، بچه (برادران داردن)، بادی که بر مرغزار می‌وزد (کن لوچ) اهدا شده است.

را پائین می‌اندازد، در صورتی که مشابه این اتفاق، سال ۸۰ رخ داده که این خانم جزو خاطرات دهه ۶۰ خود آورده. در همه چیز این فیلم اغراق شده و ایرانی‌ها مردمی به تصویر درآمده‌اند که به خاطر یک کنسرو همدیگر را می‌زنند.

ده‌نمکی افزود «ما وقتی برای حضور در بازار کن وارد فرودگاه پاریس شدیم، ارتش فرانسه را دیدیم که جلوی در فرودگاه با سلاح رژه می‌رفت. حال اگر این اتفاق در ایران می‌افتاد، از دید غربی‌ها به فاجعه بدل می‌شد». همچنین روزنامه‌ی کیهان در گزارشی فیلم پرسپولیس را یک عقده‌ی زنانه دانست و با اشاره به سینمای کیارستمی، قبادی، یکتاپناه و مخملباف، سینمای آنها را سینمای سیاه خواند و درباره گریه‌ی کیارستمی تنها فیلم ایرانی شرکت کننده در کن ۲۰۰۷ نوشت: «عباس کیارستمی در شصتمین دوره‌ی فستیوال ساحل کن رازگویی‌های نیهیلیستی و نهان گویهای اومانستی در آثار پیشین خود را کنار نهاده و با حضور در بخش سینما از نگاه هر کس به همراه ۳۲ کارگردان دیگر فیلمی سه دقیقه‌ای را به سفارش رسمی فرانسویها ساخته است. ۲۴ بازیگر زن سینمای ایران ۳ دقیقه در مقابل دوربین این کارگزار سینمای سیاه، تنها گریه می‌کنند! ژیل ژاکوب (از نو مسیحیان صهیونیست و رئیس فستیوال کن) در توصیف این بخش گفته که هر فیلمساز نگاه خود را در لحظهای از سینما به تصویر کشیده. همه به سختی کار کرده‌اند و در کنار تکنیک دقیق، آنان شاعران تصویرگری هستند! عباس کیارستمی که در کسوت شاعر گریه در این بخش، تصویری سیاه، منطبق با رویکرد فمینیستهای رادیکال از جامعه زنان مسلمان ایران را نشان داده، بازیگران خود را وادار می‌کند تا در برابر دوربین شیون و زاری کنند تا در این سه دقیقه سمبلیک، در برابر چشمان مخاطبان، زانی مایوس بر لبهی مرگ را زاری کنان به عنوان کلیت جامعه‌ی زنان در ایران معرفی کند».

در حواشی کن

جشنواره‌ی امسال همانند سال‌های گذشته روزهای بحث برانگیزی را پشت سر گذاشت.

سیکو عنوان مستند جدید مایکل مور در مورد شرایط درمانی و بهداشت آمریکا است که هم‌چون آثار قبلی او جنجالی بود و موجب موضع‌گیری مقامات آمریکایی از جمله وزارت خزانه‌داری و شبکه‌ی فاکس نیوز شد. دلیل انتقاد وزارت خزانه‌داری، سفر بدون اجازه مور به کوبا برای تکمیل فیلم عنوان شده است اما تولیدکننده‌ی این فیلم در پاسخ به انتقادات وزارت خزانه‌داری عنوان کرده که اخیراً نامه‌هایی را برای حذف برخی از قسمت‌های فیلم به‌ویژه ۲۰ دقیقه‌ی پایانی که در کوبا می‌گذرد دریافت کرده است. اما وی تأکید کرد علاوه بر تغییر نکردن مدت زمان فعلی فیلم، اقدامات حقوقی لازم را برای پیگیری این مسأله و کشف ریشه‌های اصلی این توطئه که به‌زعم او از سوی برخی سیاستمداران آمریکایی هدایت می‌شود را انجام خواهد داد. فارنهایت ۹/۱۱ فیلم قبلی مور نخل طلای جشنواره‌ی کن در سال ۲۰۰۴ دریافت کرد.

در بخش میهمانان افتخاری، آلن دلون، بازیگر پیشکسوت سینمای فرانسه میهمان افتخاری شصتمین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم کن بود. وی در سال ۲۰۰۶ اعلام کرده بود که دیگر هرگز به کاخ جشنواره‌ی کن قدم نخواهد گذاشت، چرا که مسئولان این جشنواره از او به مناسبت پنجاهمین سال برگزاری به کن دعوت نکرده بودند. اما وی در پی دعوت دبیر جشنواره‌ی کن از او در سال جاری گفت: «خوشحالم که پس از غیبتی طولانی افتخار می‌یابم دوباره از پله‌های کاخ جشنواره بالا بروم. منتها افسوس من از این است که نمی‌توانم این کار را در معیت دوست عزیزم ژان پل بلموندو انجام دهم».

در پنجمین روز از جشنواره کن یک فیلم بلند به مناسبت شصتمین سالگرد این فستیوال با همکاری ۳۵ فیلمساز سرشناس از ۲۵ کشور به نمایش درآمد. پروژه‌ی ساخت این فیلم به قدری مخفیانه بود که حتا خود کارگردان‌ها هم نمی‌دانستند چه کسانی قرار است با آنها کار کنند. این در حالی است که از مدتی قبل نام تعدادی از فیلمسازان درگیر پروژه در محافل سینمایی مطرح بود. کنجکاوی روزافزون رسانه‌ها بالاخره ژیل ژاکوب را واداشت تا پیش از نمایش فیلم اسامی فیلمسازان درگیر این پروژه را به ترتیب حروف الفبا به این شرح اعلام کند: تنو آنجلو پولوس، الیور آسایاس، بیل آگوست، جین کمپیون، یوسف شاهین، چنکایگه، مایکل چیمینو، ایتن و جوتل کوئن، دیوید کراتنبرگ، ژان پیر و لوک داردن، مانوئل دی الیور، ریچارد دپاردون، اتوم آگویان، آموس جیاتی، هو هسیانو هسین، الخاندرو گونزالس ایناریتو، آکی کوریسمای، عباس کیارستمی، تاکشی کیتانو، آندری کونچالوفسکی، کلود لوش، کن لوچ، نانی مورتی، رومن پولانسکی، رانول روئیز، والتر سالس، الیا سلیمان، تسای مینگ لیانگ، گاس ون سنت، لارس فن تریر، ویم